



بررسی پیامدهای قاچاق کالا و ارز  
بر هویت فرهنگی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

ادریس راموز\*، محمد حسین شعاعی شهرضا\*\*

---

\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

\*\* دانشجوی دکتری معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)

## چکیده

قاچاق کالا و ارز یکی از مسائل اساسی است که کشورهای مختلف خصوصاً کشورهای در حال توسعه با آن مواجه هستند. از یک سو کشور ما به عنوان یک کشور در حال توسعه با پدیده قاچاق کالا و ارز به عنوان یک معضل ملی روبروست که حاصل آن پیامدهای ناگوار در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی - اجتماعی می‌باشد. از سوی دیگر بررسی فرآیند توسعه در جمهوری اسلامی ایران، بیانگر چالش‌های هویتی در فرآیند توسعه است. به این معنا که در فرآیند توسعه و پیشرفت جامعه ایران، عوامل بیرونی و درونی گوناگونی منجر به ایجاد چالش‌های هویتی در این حوزه گردیده‌اند، به همین منوال امروزه پدیده قاچاق کالا و ارز در فرآیند توسعه و پیشرفت به عنوان چالشی اساسی در امر هویت فرهنگی و دینی جامعه ایران در سطح ملی قلمداد می‌شود.

به همین ترتیب در این مقاله سعی شده است، ضمن تبیین پدیده قاچاق به عنوان معضل و مسئله اجتماعی که پیامدهای ناگواری در حیطه‌های مختلف نظام جمهوری اسلامی ایران به بار آورده است، به بررسی و مطالعه پیامدهای قاچاق کالا و ارز بر ابعاد و مؤلفه‌های هویت فرهنگی و دینی به عنوان محور ثبات و انسجام جامعه ایران پردازد.

**واژگان کلیدی:** قاچاق کالا و ارز، مسئله اجتماعی، پیامدها، هویت فرهنگی، هویت دینی

## مقدمه

امروزه پارادایم غالب در فضای علوم اجتماعی با رویکرد توصیفی به فرهنگ نگریده است و عمدتاً ساحت تحقیقات نیز گرچه گاه با نگاهی انتقادی که آستن تجویزات را فراهم می‌آورد اما باز در فضایی توصیفی به این مقوله توجه شده است. بواقع در مبنای تیئوری فرهنگ کاملاً عینی، توصیفی، اکتسابی و فردگرایانه قلمداد شده است. (Daniels, ۲۰۰۷: ۱۹۶).

از منظر راس بندیکت<sup>۶</sup> «فرهنگ» الگوی فکری و رفتاری کم و بیش مستحکمی است که به بنیان های عقلانی و عاطفی یک جامعه وابسته است (Baldwin, ۲۰۰۶: ۶). در همین راستا برگر، لاکمن و گیتز<sup>۷</sup> براساس تحقیقاتی «فرهنگ» را زمینه‌ی تنظیم ارزش‌ها و نگرش‌هایی می‌دانند که به زندگی شکل داده و انسان را در مورد رویدادهای زندگی اش توجیه می‌کند. بدین معنا عناصر فرهنگی در هر دوره‌ای از زمان تنها از طریق زندگی کردن در جامعه فراگیری می‌شوند (Cagiltay, ۲۰۰۹: ۳۰۷). در این رویکرد گرچه به تعبیر هال<sup>۸</sup> «فرهنگ» این امکان را به ما می‌دهد که معنای آنچه که دیگران انجام می‌دهند را دریابیم (Freeman, ۱۹۸۱: ۱۹۰)، لکن تبیین فرهنگ به عنوان انباشتی انسانی (که تمام نمادهای زندگی فردی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد) با کلی‌نگری و تقلیل‌گرایی روبرو است (Ehrlich, ۲۰۰۰, p.۳۵۲).

در همین راستا و در شرایط جوامع کنونی، فرهنگ با همه گستردگی خود به مثابه مقوله‌ای هویتی عمل می‌کند که در تعامل با سایر فرهنگ‌های هم‌عرض خود قرار دارد. به عبارتی هویت به عنوان شاخص و معیار هر جامعه‌ای عرض اندام می‌کند و تعامل و ارتباط درون فرهنگی و میان فرهنگی بر اساس این رکن صورت می‌گیرد.

بر این مبنا شایان ذکر است، فرهنگ به عنوان مقوله‌ای هویتی، مجموعه‌ای از مسائل<sup>۹</sup> را دربر

۶. Ruth Benedict

۷. Berger & Lucmann & Geertz

۸. Hall

۹. مسئله فرهنگی اعم از آسیب فرهنگی است و شامل فرصت و تهدید در حوزه فرهنگ می‌شود.

می‌گیرد که در فرآیند نیل مفهوم فرهنگ به مسئله فرهنگی و سپس نظریه فرهنگی و پس از آن سیاست فرهنگی<sup>۱۰</sup> می‌توان به آن اشاره کرد. قاعدتاً هر فرهنگ به جهت اینکه کارکرد و مکانیسم معناشناختی و نشانه‌شناختی آن به بهترین وجه عمل کند، سعی بر درمان و بهره‌وری از مسائل فرهنگی درونی و بیرونی به عنوان کژکارکرد و یا فرصت را دارد.

به همین دلیل به هر میزان هویت به عنوان تجلی و عینیت یافته فرهنگ دچار آسیب و کژکارکرد شود، بحران‌های اساسی ابعاد و جنبه‌های مختلف یک کشور را تهدید می‌کند.

از سوی دیگر امروزه با توجه به تصرف و احاطه فرهنگ در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زندگی انسانی، دیالکتیک میان حوزه‌های مختلف با دخالت عاملیت انسانی، منجر به شکل‌گیری و ورود مسائل مختلفی در عرصه اجتماع شده است، پیچیدگی مسائل موجود نیاز به رویکرد مطالعات میان رشته‌ای برای فهم و شناخت دقیق جوامع امروزی را ضروری کرده است.

از این جهت با عنایت به جریان فرهنگی شدن که در ابعاد و عناصر مختلف زندگی انسانی رخ داده است و تغییراتی که در حوزه مسائل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به وجود آمده است، توصیف، تحلیل و ارزیابی کیفیات، معانی، نیازها و مسائل زیست انسانی امری بس دشوار شده است؛ پیچیدگی و درهم تنیدگی مسائل جوامع و دولت‌ها به گونه‌ای است که چنانچه سیاستگذاران با رویکرد تک بعدی به مسائل و حل آنها بیاورند، راه به جایی نمی‌برند، بدین ترتیب، مواجهه دقیق، چندجانبه و میان رشته‌ای با مسائل و معضلات جوامع انسانی، اصل موضوعه تحقیقات و پژوهش‌های اخیر قلمداد می‌شود.

لذا با توجه به دو مقدمه اخیر یعنی اهمیت هویت به عنوان رکن اساسی فرهنگ و همچنین ضرورت مطالعات میان رشته‌ای در حل مسائل جوامع بشری، می‌توان نتیجه گرفت که امروزه در مطالعات و تحقیقات ضروریست، اولاً مسائل و معضلات اجتماعی از منظر و رویکردهای

۱۰. تعامل میان مفهوم فرهنگ، مسئله فرهنگی و نظریه فرهنگی و سیاست فرهنگی به مانند یک خط مستقیم است که البته دائماً در حال رفت و برگشت به منظور تحول و تکامل می‌باشد.

مختلف مورد تبیین و تحلیل قرار گیرند. ثانیاً، هر آسیب و معضل ولو سببه اقتصادی، سیاسی، امنیتی و تجاری داشته باشد، تهدیدی است برای کلیت فرهنگ و عینیت یافته و تجلی فرهنگ که همان هویت است.

از اینرو در نوشتار حاضر سعی بر این است که اگر چه پدیده «قاچاق» بیشتر به عنوان مسئله‌ای اقتصادی و تجاری به شمار می‌آید اما معضلات و مشکلات عدیده‌ای را در ابعاد سیاسی، امنیتی و فرهنگی رقم می‌زند، علی‌الخصوص تهدیدهای بسیاری را در عرصه فرهنگی و هویتی ایجاد می‌کند که شناخت و فهم این ابعاد موجب می‌شود تا در فرآیند سیاستگذاری به منظور حل این مسئله اجتماعی، دقیقترین و مناسب‌ترین سیاست‌ها وضع شود.

### تعریف مفهوم قاچاق

واژه «قاچاق» مأخوذ از زبان ترکی است که در لغت نامه عمید بدین گونه تعریف شده است: "وارد کردن یا صادر کردن کالاهایی که ورود و صدور آنها ممنوع است و معامله آن در انحصار دولت است" (عمید، ۱۳۸۹: ۷۸۴). همچنین پدیده قاچاق کالا و ارز یا تجارت زیرزمینی که به صورت پنهانی انجام می‌شود، به نقل و انتقال کالا، بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی گفته می‌شود. (بهرامی و قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۴)

همچنین واژه "contraband" به معنای «قاچاق» از سال ۱۵۲۹ وارد زبان انگلیسی شده است. ابتدا این واژه در زبان لاتین از دو کلمه (contra + bando) تشکیل شده است و سپس از طریق زبان ایتالیایی وارد زبان انگلیسی شده است. این واژه در زبان انگلیسی نیز به مجموعه محصولات و کالاهایی اطلاق می‌شود که بر خلاف قانون از محدوده جغرافیایی کشور وارد یا صادر می‌گردند. (The Free Dictionary)

در تعریف قاچاق می‌توان بر اساس بند الف ماده ۱ لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قاچاق را اینگونه تشریح کرد: «هر فعل یا ترک فعلی که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و براساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، اعم از آن که در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور تا محل عرضه آن

در بازار داخلی کشف شود.»

بنابراین تعریف قاچاق دامنه وسیعی از فعالیت‌ها را شامل می‌شود؛ تولید بدون اخذ مجوز از مراجع ذیصلاح، بازرگانی بدون ثبت در دفاتر رسمی، عرضه کار بدون مجوز در بازار، دستکاری در اسناد دولتی و تجاری و جعل آنها، رشوه‌خواری، تولید و توزیع کالاهای ممنوع و خرید و فروش آن مثل مواد مخدر، مشروبات الکلی و غیره همگی از اشکال قاچاق‌اند، به عبارتی دو خصیصه در پدیده قاچاق پررنگ است، الف) بدون مجوز هستند. ب) افراد با انگیزه سود بیشتر از فعالیت‌های رسمی به این گونه فعالیت‌ها اقدام می‌کنند. (پورنیازی، ۱۳۸۹: ۵)

نهایتاً در این قسمت می‌توان نتیجه گرفت که به طور کلی قاچاق کالا شامل دو بخش است یکی قاچاق کالاهای ممنوع، یعنی کالاهایی که صادرات و واردات آنها ممنوعیت شرعی و قانونی دارند نظیر مواد مخدر، اسلحه و مشروبات الکلی و دیگری قاچاق کالاهای مجاز و مجاز مشروط، که منظور کالاهایی است که صادرات و واردات آنها با رعایت ضوابط قانونی امکان‌پذیر اما به دلیل رعایت نکردن ضوابط قانونی، قاچاق تلقی می‌شوند.

تفاوت این دو سطح به گونه‌ای است که آسیب‌های بخش اول رؤیت‌پذیر هستند، به همین دلیل روایات و فتاوی صراحتماً حکم به حرمت آن‌ها داده‌اند ولیکن آسیب‌هایی که نوع دوم از قاچاق بر حوزه اجتماع و فرهنگ اسلامی وارد می‌سازند، به مراتب ضررهایی با سطح وسیعتری را متوجه جامعه اسلامی می‌کند که در ادامه با توجه به تعریف موجود و حوزه و دامنه قاچاق به ابعاد مطروحه اشاره خواهد شد.

### قاچاق و فرهنگ

پدیده قاچاق کالا و ارز در کشور ما واقعیتی کتمان‌ناپذیر است که به دلایل مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آثار نامطلوب و زیانباری را بر نظام فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور وارد می‌سازد و با ایجاد بی‌ثباتی و اختلال در برنامه‌ریزی کشور، سایر ابعاد حکومتی را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است.

از آنجا که رویکرد کلی در برخورد با پدیده قاچاق بیشتر مربوط به حوزه اقتصادی و تجاری

می‌باشد اما با دقت و تعمق در لایه‌های درونی این واقعیت اجتماعی در می‌باییم، خواه چنانچه مواجهه ما با این پدیده از منظر علل شکل‌گیری و شیوع و یا از منظر پیامدها و اثرات باشد، بیش از آنکه مسئله‌ای اقتصادی قلمداد شود، می‌بایست ریشه‌های شکل‌گیری و شیوع قاچاق را در حوزه فرهنگ پی‌جویی کرد. به عبارتی گرچه عوامل اصلی ایجاد پدیده قاچاق را باید در بخش تجاری و بازرگانی جستجو کرد، ولی همین عوامل ریشه‌های عمیق فرهنگی دارد که شناسایی این عوامل می‌تواند به ریشه‌یابی قاچاق و حل بنیانی این پدیده کمک شایانی کند. از طرف دیگر گسترش پدیده قاچاق، آثار و عواقب متعددی در حوزه فرهنگ و هویت فرهنگی نیز دارد که شناخت این اثرات بیانگر نقش مخرب این پدیده بر فرهنگ جامعه و مبین لزوم برخورد قاطع با این پدیده و اتخاذ سیاست‌های مناسب برای رفع آن است.

بر این اساس در بررسی و مطالعه پدیده «قاچاق»، فرهنگ و مؤلفه‌های آن از دو وجه حائز اهمیت هستند، الف) به عنوان عاملیت در شکل‌گیری و اشاعه. ب) به عنوان ابژه‌ای که قاچاق بر روی آن اثرگذار است. به زبان دیگر مفهوم فرهنگ در رابطه با پدیده «قاچاق» در یک وجه در جایگاه متغیر وابسته و در وجه دیگر به عنوان متغیر مستقل ایفای نقش می‌کند. اما همانطور که در مقدمه ذکر شد، هدف نوشتار حاضر تمرکز بر قسمت پیامدهای «قاچاق» بر فرهنگ، هویت فرهنگی و دینی خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### دلایل پیدایش پدیده قاچاق کالا و ارز

قاچاق کالا و ارز آثار و پیامدهای منفی‌ای برای ابعاد مختلف زندگی و جامعه یک کشور دارد و در همین راستا سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری دولت‌ها را مختل و با مشکلاتی روبرو می‌کند. پدیده «قاچاق» به عنوان یک معضل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که منجر به سوق دادن ابعاد و وجوه مختلف یک کشور به سمت وضعیت بحرانی می‌شود ریشه‌ها و دلایل مختلفی دارد که در ابعاد مختلفی می‌توان به آن پرداخت. «قاچاق» همواره به بخش‌های مختلف کشور صدمه و آسیب‌های ناگواری وارد کرده است، لذا برای کاهش و از بین بردن این پدیده

ناگوار و به همین ترتیب اثرات و پیامدهای آن، ابتدا باید ریشه‌ها و دلایل آن را شناخت و سپس درصدد تبیین و تشریح پیامدهای آن اقدام شود. به همین دلیل در این بخش از مقاله، به صورت موجز و مختصر به بررسی برخی ریشه‌ها و دلایل قاچاق می‌پردازیم.

۱. **وجود تقاضاهای داخلی:** یکی از عوامل بروز قاچاق کالا، وجود تقاضا در بازارهای داخلی برای کالاهای قاچاق است. کشش تقاضا برای کالاهای مختلف متفاوت می‌باشد، اما به هر حال تحت تأثیر عوامل گوناگون از جمله نیاز مصرف‌کنندگان، در آمد آنها و ... این کشش وجود دارد. (فیروزجانی، ۱۳۸۴: ۳۷)

از جمله عوامل مؤثر بر تقاضای کالاهای قاچاق می‌توان به زیبایی و نوآوری در طرح و رنگ تولیدات، کیفیت کالا، تبلیغ، فرهنگ مصرف در جامعه، اختلاف قیمت اشاره کرد. (اقتصادیان، ۱۳۸۳: ۱۰-۸)

بنا به نظر نصیری وجود تقاضاهای داخلی در مورد کالا و در مقابل آن ضعف صنعت داخلی به منظور تولید کالای مورد نیاز مردم، زمینه قاچاق کالاها را فراهم می‌کند و به ناچار مصرف‌کننده به سمت کالاهای قاچاق گرایش پیدا می‌کند. (نصیری، ۱۳۹۰)

۲. **بالا بودن تعرفه‌های گمرکی:** در بخش‌های گمرکی تعرفه تعیین شده برای کالاهای وارداتی بیش از حد معمول است، از اینرو به دلیل قابلیت سودآوری بالای قاچاق، مورد توجه قرار گرفته است.

باید اشاره کرد که بین تعرفه و قاچاق کالا ارتباط مستقیمی وجود دارد. با افزایش موانع تجاری مانند تعرفه، هزینه واردات رسمی بالا می‌رود که به دنبال آن انگیزه برای تجارت غیر قانونی و اقتصاد زیرزمینی افزایش می‌یابد. (پژویان، ۱۳۸۵)

۳. **اعطای یارانه به برخی از کالاهای داخلی:** تفاوت قیمت کالا در بازار داخلی با بازارهای خارجی، بویژه کشورهای همسایه منجر به خروج غیر قانونی کالا بویژه کالاهای یارانه دار را سبب می‌شود. مانند گندم، آرد، بنزین و ... (نصیری، ۱۳۹۰).



۴. **تبلیغات رسانه‌ای:** با توجه به عصر حاضر که عصر اطلاعات و ارتباطات است تبلیغات و رسانه‌ها می‌توانند در تبلیغ کالاهای قاچاق نقش مهمی داشته باشند. دسترسی عمومی به رسانه‌های فراملی بستر کافی را برای تبلیغات کالاهای خارجی فراهم می‌آورد که در این زمینه شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. (پورنیازی، ۱۳۸۹: ۵) به عبارتی در عصر انفجار اطلاعات در هر لحظه مصرف‌کنندگان با نوآوری و خلاقیت تازه در تولید کالاها آشنا می‌شوند. (سیف، ۱۳۸۷: ۱۸۵)

۵. **بیکاری و وضعیت محروم مناطق مرزی کشور:** قاچاق کالا عمدتاً در مناطق مرزی کشور صورت می‌گیرد مناطقی که از لحاظ اجتماعی و اقتصادی محروم به حساب می‌آیند و مردم آنها از فقر و بیکاری رنج می‌برند. بنابراین افراد بویژه جوانان این مناطق به منظور تامین نیازهای مالی و معیشتی خود اقدام به قاچاق کالا می‌کنند. در این زمینه باید اشاره کرد که بیکاری و فقر در عین حال که خود باعث بوجود آمدن قاچاق می‌شوند خود از آثار و پیامد زیانبار قاچاق به حساب می‌آیند.

۶. **بوروکراسی و ساختار اداری ناکارآمد:** بوروکراسی و ساختار اداری ناکارآمد و کاغذبازی بیش از حد منجر به افزایش هزینه تولید و تجارت در اقتصاد رسمی می‌شود و این گونه هزینه‌ها، انگیزه فعالیت در بخش‌های غیررسمی یا به عبارتی قاچاق کالا را افزایش می‌دهد. (نصیری، ۱۳۹۰)

۷. **فرهنگ گریز از پرداخت مالیات:** یکی از عوامل قاچاق کالا و ارز، می‌توان فرار از پرداخت مالیات و حقوق و عوارض گمرکی باشد (بهرامی و قاسمی، ۱۳۸۵: ۷۳). این علت را می‌توان در سبک زندگی جامعه ایرانی مشاهده کرد که امر و منفعت شخصی را بر امر و منفعت اجتماعی ترجیح می‌دهند. به عبارتی به علت فقدان الگوی تعامل و ارتباط اجتماعی در سطح جامعه، با پدیده «قاچاق» مواجه می‌شویم. شایان ذکر است، تمایز میان سطح خانواده و اجتماع و تفاوت الگوی تعامل اجتماعی در سطح خانواده و اجتماع بیانگر چنین وضعیتی است. بدین معنا

در سطح خانواده به هنگام بروز نیازها، افراد نسبت به یکدیگر اینار می‌کنند ولیکن در سطح اجتماع افراد، محیط اجتماعی را به مثابه میدان جنگ تصور می‌کنند، به همین دلیل گفتگو و تعاملات انسانی در سطح پایینی قرار می‌گیرد و منافع و نفع شخصی اهمیت پیدا می‌کند.

#### ۸. عدم ریسک (خطرپذیری) در میان ایرانیان: میزان فعالیت‌های قاچاق با هزینه‌های

ریسک و عدم اطمینان مرتبط است (بهرامی و قاسمی، ۱۳۸۵: ۷۵) به عبارتی یکی از ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی ایرانیان عدم خطرپذیری است، بدین معنا که همواره در میان گزینه‌های موجود در حیطه‌های مختلف به انتخابی دست می‌زنند که برای رسیدن به هدف مطلوب و یا حفظ آن به به علت وجود عوامل تهدید کننده، از رسیدن به آن سر باز می‌زنند، در همین راستا رابطه خطرپذیری و عدم اطمینان در رابطه با خرید کالاها و یا اشتغال امری فرهنگی است. این مسئله در صورت‌های مختلف انسانی قابل مشاهده است. از اینرو در فعالیت‌های اقتصادی نیز به مشاغلی روی می‌آورند که کمترین هزینه و بیشترین سود را به همراه داشته باشد.

#### ۹. عدم ممنوعیت شرعی تجارت قاچاق کالا و ارز: ضعف بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی

و فرهنگی، فقدان زیرساخت‌های مناسب تولیدی و توسعه‌ای و مساعد بودن کشور از جنبه جغرافیایی از یک سو و عدم ممنوعیت شرعی تجارت غیررسمی و قاچاق از طرف مراجع دینی نیز از سوی دیگر موجب شده است افراد بدون کوچکترین دغدغه دینی اقدام به قاچاق نمایند (بهرامی و قاسمی، ۱۳۸۵: ۹۳). حتی از نظر بعضی از علمای اهل تسنن در مناطق سیستان و بلوچستان، توقیف کالاهای قاچاق در مسیر ورود به کشور، توسط نیروی انتظامی مصداق غضب است و این اموال باید به صاحبانشان عودت داده شود (حاجی‌نژاد، ۱۳۷۸). لذا با توجه به اثرات سوء و پیامدهای ناگواری که پدیده قاچاق در عرصه‌های مختلف از خود برجای می‌گذارد ضروریست که از منظر فقه و شرع به این معضل و مشکل نگاه عمیقتری داشت، به این معنا که ادله دینی و شرعی در نسبت به عدم تجویز نسبت به این پدیده از سوی علمای دین، می‌تواند سد طریقی برای گسترش چنین پدیده مذمومی شود.

۱۰. رویکرد تمرکزگرایی و کمبود رویکرد تفرق‌گرایی: یکی از مسائل فرهنگی که در

لایه‌های درونی فرهنگ و تاریخ ایرانیان قابل مشاهده است، تمرکزگرایی بیش از حد معمول است. تمرکزگرایی می‌تواند در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رخ دهد. به این معنا که نظام قدرت و نظام ثروت و توزیع آن در حیطه‌های مختلف اجتماعی، در یک مکان واحد و مشخص تجمع می‌شود. به این منظور افراد جامعه به منظور دستیابی به موقعیت و جایگاه‌های اجتماعی مطمح نظر خود، پدیده مهاجرت را انتخاب می‌کنند. در همین راستا با پدیده تمرکزگرایی مواجه می‌شویم. در این موقعیت است که شکاف طبقاتی در سطح خرد (شهری) و کلان (ملی) روی می‌دهد و به همین مناسبت نظارت عمومی توسط دولت حالت متمرکز به خود می‌گیرد، در این میان مرکز محوری به عنوان اصل قرار می‌گیرد و بدون توجه به بافت فرهنگی و تاریخی و ظرفیت هر شهر و منطقه، نظام ارزشی و هنجاری مرکز، به پیرامون خود که همان شهرستان‌ها می‌باشند انتقال می‌یابد.

در جوامعی که تمرکزگرا هستند، رقابت بر سر به دست آوردن جایگاه‌های اجتماعی بسیار قابل انتظار است و نوع مواجهه و تعامل افراد با یکدیگر به گونه‌ای رقابتی است، به عبارتی عنصر انسجام اجتماعی، تغییر می‌کند. در این بین رقابت به منظور به دست آوردن جایگاه و شأنیت اجتماعی، به وسیله ابزاری به نام مصرف فرهنگی اتفاق می‌افتد. مصرف فرهنگی از این جهت اهمیت می‌یابد که اولاً امری جهانی است و ثانیاً ملموس و مشاهده‌پذیر است و ثالثاً مورد اعتبار و قرارداد جامعه قرار گرفته است و دلالت بر نوعی نظام زیبایی شناسانه دارد.

در ادامه فرآیند تغییر ارزشی و هنجاری، افزایش تقاضا، کمبود منابع انسانی و غیرانسانی و محدودیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موجب شکل‌گیری پدیده‌ای به نام قاچاق می‌گردد. در صورتی که اگر به میزانی رویکرد تفرق‌گرایی بر جامعه ایرانی حاکم باشد، توسعه و انسجام اجتماعی و دستیابی به شأنیت و جایگاه اجتماعی با توجه به بافت تاریخی و نظام ارزشی و هنجاری هر منطقه صورت می‌گیرد و با پدیده‌هایی از قبیل مهاجرت، توسعه نامتوازن، اختلاف طبقاتی و به همین ترتیب با پدیده و معضل «قاچاق» مواجه نمی‌شویم. به عبارتی زمانی که از فرصت‌ها به خوبی بهره نبریم، فرصت‌ها تبدیل به مسئله و مشکل می‌شوند.

## هویت و چالش‌های هویتی

بحث هویت را در عصر جدید نخستین بار هگل فیلسوف آلمانی مطرح کرد و هویت به معنی جدید کلمه، از طریق ترجمه‌های اروپایی وارد فارسی شده است، لذا مترجمانی که واژه‌ی (identity) را به فارسی ترجمه کرده‌اند در مقابل آن این همانی و همانستی را نهاده‌اند و در مقابل یا متضاد با آن نیز کلمات بی‌خویشتنی، بی‌هویتی و از خود بیگانگی را وضع کرده‌اند (ربانی، ۱۳۸۱: ۱۷).

اگرچه واژه هویت دارای تاریخی طولانی است و از ریشه‌ی (idem) به معنای همان بودن<sup>۱۱</sup> و تداوم برگرفته شده است. (Oxford Dictionary of Sociology, ۱۹۹۸) اما در واقع بحث هویت بیشتر در قرن بیستم وارد مباحث علوم اجتماعی شده است.

در فرهنگ معین هویت به مثابه آنچه موجب شناسایی شخص باشد (معین، ۵۲۲۸)، یعنی آن چه باعث تمایز یک فرد از فرد دیگری باشد، پس هویت در خلأ مطرح نمی‌شود، حتماً یک «خود»<sup>۱۲</sup> وجود دارد و یک «غیر»<sup>۱۳</sup> و گرنه معرفت و شناخت معنا پیدا نمی‌کند. در فرهنگ عمید، هویت یعنی حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد. هویت در لغت به معنای شخصیت، ذات، هستی و وجود است و از ترکیب «هو» ساخته می‌شود. (عمید، ۱۲۶۵)

فردریک بارت<sup>۱۴</sup> هویت را یک پدیده اجتماعی می‌داند که باید آن را در روابط میان گروه‌های اجتماعی جستجو کرد. به عبارت دیگر گروه‌ها برای مقوله‌بندی مناسبات و تعاملات خود، از هویت استفاده می‌کنند و لذا در برخورد با گروه‌های مختلف، هویت متفاوتی دارند. حال می‌تواند عینی باشد یا ذهنی. این بدان معنی است که هویت همچون پدیده‌ای است که پیوسته

۱۱. Semen

۱۲. Self

۱۳. Other

۱۴. Fredrik Barth

خود را در روابط اجتماعی بازتولید می کند و معنی دیگرش این است که هویت در ارتباط با خود وجود ندارد و همیشه در ارتباط با دیگران مطرح می شود. (کوش، ۱۳۸۱: ۴۵)

لذا هویت در صورت خاص و ویژه اش، نه در جریان حدیث نفس و تفحص از هستی خود در انزوا، بلکه از خلال مواجهه با «غیر»ی در بیرون از حیطه هستی ما (فردی و اجتماعی) سر بر می آورد. اصولاً سؤال از کیستی و چیستی، بدون غیری متمایز از خود موجود ناممکن است، انسان تنها در پرتوی دیگری است که خود می شود و وجودی ویژه یعنی هویت می یابد. (کچوییان، ۱۳۸۷: ۶۰)

ویلیام جیمز در مکتب کنش متقابل نمادین قائل است که مفهوم محوری هویت خود است، ویلیام جیمز می گوید: «آن جا که بتوانم بگویم که این من واقعی من است، آن جا هویت است». پس نهایتاً این من در خلأ شکل نگرفته و در ارتباط با دیگری شکل می گیرد، به عبارتی خود برآیند (me) و (I) است، که (I) همان من فاعلی است که جنبه های نمادین و خلاق ما، یعنی نوآوری، خلاقیت و بدیع بودن ما را دربر می گیرد و (me) همان من منفعل است که ناظر به ارتباطات اجتماعی، شبکه تعاملات و فرآیندهای اجتماعی می باشد. (افروغ، ۱۳۸۷: به نقل از ویلیام جیمز)

در هویت ملی نیز یک (I) وجود دارد که بیانگر «ما»ی خلاق، نمادین و فرهنگی است، پس ما باید آن «ما» که در هر شرایطی خود را نشان می دهد و در تقابل با شرایط مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی وجود دارد و هویت ما را شکل می دهد را بشناسیم، برخلاف تصور خیلی از افراد که هویت را یک امر ایستا و بدون تغییر می دانند، هویت یک قسمت ثابت و یک قسمت متحول دارد، (افروغ: ۱۳۸۷) که قسمت ثابت آن در طول تاریخ به صورت مترام و انباشتی بر روی هم رسوب کرده است و یک هویت ثابت اسلامی- ایرانی را به وجود آورده است، با همان اصول و قواعد ثابت و قسمت متحول آن بسته به شرایط زمان و مکان تغییر می کند، اما تغییرات آن هم در راستای اصول اولیه آن می باشد که قدرت انعطاف در آن ساری و جاری است.

لذا با توجه به تعریف مفهوم هویت، مشخص شد، هویت همان بعد خودآگاه و عینیت یافته مفهوم فرهنگ است، که افراد یک جامعه خود را با آن می‌شناسند و با آن شخصیت فردی، گروهی، اجتماعی و ملی افراد شکل می‌گیرد، به عبارتی این شناخت در سطوح مختلف در قبال دیگری و فرهنگ دیگری صورت می‌گیرد و همچنین افراد با هویت صورت گرفته در سطوح مختلف با دیگران به تعامل و ارتباط می‌پردازند. لذا هویت از آنجا که در دل فرهنگ قرار دارد، حاوی دو بعد تاریخمندی یا انباشتی و خلاقانه یا متغیر است. شایان ذکر است که امروزه با توجه به شرایط جهانی، تغییرات و تحولات فرهنگی و هویتی آنچنان با سرعت بالایی اتفاق می‌افتد که گمان می‌شود فرهنگ و هویت دائماً در حال تغییر است و عنصر ثابتی در آن مشاهده نمی‌شود، در صورتیکه در دل هر تغییر و تحولی، عناصر ثابت فرهنگ و هویت که خاصیتی انباشتی، تاریخمند و تراکمی دارند، و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته‌اند، قابل مشاهده و رؤیت می‌باشند.

از اینرو کارآیی و اثربخشی یک نظام فرهنگی و هویتی به گونه ای است که می‌بایست مکانیسم تغییرات و تحولات رابطه مستقیم و معناداری با زمینه تاریخی و اجتماعی یک فرهنگ داشته باشد.

به بیانی دیگر، معنا در یک بافت و زمینه، در قبال دیگری منجر به کسب شناخت از خود(هویت) می‌شود، لذا افراد با این مبنا با دیگران ارتباط و تعامل برقرار می‌کنند. این ارتباط و تعامل در سطوح مختلف صورت می‌گیرد و در هر سطح یک نظام معنایی موجب شکل‌گیری شناخت از خود و به عبارتی کسب هویت می‌شود. به همین جهت ارتباط چه در سطح درون گروهی، بین گروهی و برون گروهی موجب تولید معنای مضاعف و متکثر و یا جدید می‌شود. زمانی که ما با تحول در حوزه معنایی روبرو شویم، در واقع با تحول و پویایی در حوزه فرهنگ و هویت مواجه می‌شویم. لذا زمانی که ما با تغییر و چالش در حوزه معنایی فرهنگ روبرو شویم، به زبان دیگر زمانی که یک نظام نشانه‌ای متفاوت وارد نظام نشانه ای خودی شود، با کژکارهایی در نظام نشانه‌ای فرهنگ خودی مواجه می‌شویم که این پدیده موجب می‌شود، با چالش‌های

جدی در حوزه هویتی روبرو شویم، موقعی که این رخداد توسعه و تسری پیدا کند، در واقع امر گفتگو، تعامل و ارتباط در سطوح مختلف متوجه آسیب‌ها و معضلات اساسی می‌شود. به همین ترتیب زمانی که این جریان شکل بگیرد با نابسامانی فرهنگی و هویتی مواجه می‌شویم که این امر موجب می‌شود فرهنگ و هویت اولیه در سطوح مختلف روبه اضمحلال و نابودی رود و نظام فرهنگی جدیدی با مناسبات جدید که تناسبی با صورت دورنی و تاریخی جامعه حاضر ندارد، جایگزین آن شود که این اتفاق ضررها و آسیب‌های قابل ملاحظه‌ای را در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی به جامعه وارد می‌سازد.

پس امروزه با توجه به فرآیند جهانی شدن و یا جریان توسعه، جوامع مختلف و خاصاً جامعه ایران می‌بایست نوع و چگونگی تعامل خود را با جریان جهانی مشخص کنند، به همین منظور در هر دوره با توجه به شرایط زمانی و مکانی و همچنین زمینه و بستر تاریخی، تحول و تغییرات فرهنگی و هویتی در یک جامعه به وجود می‌آید، به عنوان مثال در دوره جنگ و هشت سال دفاع مقدس، با توجه به شرایط حاکم آن زمان و بسترهای تاریخی جامعه ایران، پدیده «جنگ» عامل هویت‌بخش و وحدت‌بخش مردم بود و در سایه آن سایر مؤلفه‌های هویتی بازتولید می‌شد. به این معنا که بعد خلاقانه در تحول هویت و مؤلفه‌های آن نقش بسزایی داشت. اما امروزه با توجه به پدیده‌های گسترده جهانی از جمله جریان باز اطلاعاتی، دهکده جهانی، جریان توسعه همگون و ...، کشورها و جوامع فرهنگ و هویت خود را از طرق ابزار مختلف از جمله رسانه‌های مکتوب و شفاهی، کالاها<sup>۱۵</sup> و وسایل به کشورهای گوناگون انتقال می‌دهند. به همین دلیل به علت عدم برنامه ریزی در مواجهه با چنین شرایطی، تغییرات فرهنگی در جامعه ایران بیشتر جنبه منفعلانه دارد و نوع تعامل و ارتباط با توجه به یک هویت واحد در قبال جریان‌های اخیر در نظر گرفته نشده است. به همین دلیل شاهد هستیم که تغییرات و تحولات فرهنگی و هویتی با سابقه تاریخی و زمینه فرهنگی همگونی و همخوانی ندارد.

---

۱۵. در همین راستا کشورهای مختلف کالاهای خود را برای همسو کردن کشورهای دیگر با هویت و فرهنگ آنان با قیمت ارزان تر و کیفیت بهتر با توجه به نیاز مخاطب از طریق قاچاق انتقال می‌دهند.

بدین ترتیب، در هر دوره زمانی چنانچه هویت در ابعاد و سطوح مختلف دچار آسیب و بحران شود، شناخت از خود و معرف‌های خود رو به افول می‌رود و در مرحله تعامل و ارتباط تزلزل و بحران رخ می‌دهد. به عبارتی زمانی که جامعه‌ای از جریان گفتگو و تعامل کنار رود و نتواند نقش مهمی و فرانشانه‌ای ایفا کند، ارزش‌ها و هویت آن جامعه رو به اضمحلال و نابودی می‌رود. لذا شناخت دقیق از بسترها و زمینه‌های تاریخی خود، جریان حاکم جهانی در ابعاد مختلف، ابزارها و وسایل، چگونگی تعامل و ارتباط از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است.

با توجه به هدف مقاله، در ادامه نوشتار به مؤلفه‌های هویت فرهنگی خواهیم پرداخت و سپس پیامدهای پدیده «قاچاق» به عنوان ابزار انتقال ارزش‌ها و هویت‌های بیگانه به منظور تغییر فرهنگی و هویتی در جامعه هدف، بر مؤلفه‌های هویت فرهنگی و دینی که همان هویت ملی است، را مورد نقد و بررسی قرار خواهیم داد.

### مؤلفه‌های هویت فرهنگی

هویت فرهنگی یک ملت که می‌توان در سطحی دیگر آن را به عنوان هویت جمعی یا ملی قلمداد کرد حاصل خودآگاهی نسبت به انباشتی تاریخی از تجربه‌های فرهنگی آن ملت است که در طول زمان شکل گرفته است. طبعاً تجربه‌های فرهنگی در رابطه دیالکتیکی با منابع فرهنگی قرار می‌گیرد، به این معنا که کشور ایران در طول تاریخ خود همواره با سه منبع فرهنگی و هویتی مواجه بوده است، تقابل ایرانیان با این سه منبع، تجربه‌های تاریخی را به وجود آورده است که در لایه‌های مختلف زندگی ایرانیان قابل مشاهده است. به عبارتی هر کدام از این منابع دارای مؤلفه‌هایی هویتی و فرهنگی هستند که خود تجربه‌های فرهنگی را شکل می‌دهد.

با نگاهی عمیق‌تر می‌توان این سهم منبع را با توجه به مؤلفه‌های هویتی آن مورد توجه قرار داد. هویت در ایران میان سه منبع ایران (هویت سرزمینی و تاریخی)، اسلام (هویت معنوی، اعتقادی و جهان‌بینی وسیع) و لیبرالیسم غرب (منبعی فلسفی با کاربردهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حتی فرهنگی) قرار گرفته است (روحانی و آشنا، ۱۳۸۹: ۱۶۳). تعامل و



دیالکتیک ایرانیان با این منابع فرهنگی، مؤلفه‌های هویتی متعددی را برای ایرانیان پدید آورده است. در این راستا فرهنگ رجایی، سنت و عرف ایرانیان را در طول سه جریان فوق از لحاظ تاریخی مدنظر قرار می‌دهد. رجایی معتقد است، رودخانه هویت ایران امروزی از بسترهای متعددی گذشته است. خواه تاریخی که حول محور واقعه‌ای در گذشته می‌گردد و خواه تاریخی که فردا جلای آن ارزش‌هایی است که بوده، هست و خواهد بود؛ در هر حال رسوبات رودخانه به شکلی فعال در بستر آن جریان و جریان دارند. در این میان ایران و ایرانی بودن (که در فردیت عارفانه و تساهل و باز بودن نمود می‌یابد)، دین و اسلامیت (که در خداپرستی و وحدانیت، و عدالت و برابری در قبال قانون برجسته می‌شود)، سنت و عرف (که در دو حوزه اعتدال و میانه‌روی و فتوت و جوانمردی تجلی یافته است)، و بالاخره تجدد و روزآمدی (که با دوشاخص فردیت مسئول و آزادی معقول شناخته می‌شود) چهار بستر خروشان تر و استوارتر در جریان هویت ایرانی هستند. حال ممکن است یکی از این بسترها تکان دهنده و پویایی بخش رودخانه هویت باشد؛ گاه ممکن است تلاقی دو بستر، هویت را پر قوت کند و حتی چه بسا هر چهار بستر در تعامل با یکدیگر قرار گیرند که البته این معنا به عنوان مطلوب ایران امروزی باید به دیده تأمل نگریسته شود. بر این یل به چنین تعاملی باید علاوه بر وجود یک میراث غنی، آگاهی از آن نیز در میان ملت وجود داشته باشد، ثانیاً این آگاهی به عرصه عمل و اراده نیز منتج شود (رجایی، ۱۳۸۲).

در همین راستا از دیدگاه انسان‌شناسانه هویت فرهنگی و ملی از مؤلفه‌هایی چون ملت، قلمرو و جغرافیای سیاسی، زبان و دین تشکیل شده است (روح الامینی، ۱۳۷۹: ۲۸).

از سوی دیگر کنفرانس جهانی درباره سیاست‌های فرهنگی که در سال ۱۹۸۲ در مکزیکو سیتی توسط یونسکو برگزار شد، هویت فرهنگی را هسته مرکزی شخصیت فردی و جمعی قلمداد می‌کند که به مثابه اصولی حیاتی زیربنای بیشتر تصمیم‌های معتبر، رفتار، اعمال و فرایندهایی است که یک جامعه را در دستیابی به توسعه توانا می‌سازد؛ در عین اینکه ویژگی‌های خویش را نیز حفظ می‌کند (سلیمی، ۱۳۷۹: ۳۰).

نهایتاً در یک نگاه کلی می‌توان زبان، دیانت، تاریخ و حافظه فرهنگی، جغرافیای فرهنگی و نظام اجتماعی را مؤلفه‌هایی مهم و اساسی در شکل‌گیری، حفظ و تحول هویت فرهنگی ایرانیان مورد توجه قرار داد. شایان ذکر است که مجموع مؤلفه‌های هویتی کارکردهایی از قبیل هویت به مثابه میراث فرهنگی، احساس نیاز به همانندی، ابزار نیل به هدف و پدیده‌ای ارتباطی را دارا هستند.

به همین ترتیب در نوع و چگونگی تعامل منابع و مؤلفه‌های هویتی هنگامی که از رویکرد آشتی، هارمونی و توزیع قدرت در منابع هویتی سخن گفته می‌شود، با لحاظ کردن نسبت و سهم هر کدام از منابع، این مبنا مورد توجه قرار می‌گیرد که اساس هویت اسلامی در مقایسه با موج تجدد و ایرانی بودن چون سهم بیشتری را در سبب هویتی ملت دارد بالطبع در سیاست‌های هویتی نیز بیشتر مورد نظر قرار گرفته و طبعاً به عنوان یک راهکار از اولویت برخوردار است. (روحانی و آشنا، ۱۳۸۹: ۱۶۵)

لازم به ذکر است ارزش‌ها، باورها و حافظه تاریخی عمیق‌ترین لایه هویتی را تشکیل می‌دهند. «خاطره ازلی» به تعبیر یونگ (شایگان، ۱۳۸۱) یا آنچه در متون دینی تحت عنوان «فطرت» — یا نسبتی که ما به طور بنیادین با حقیقت عالم داریم هسته اساسی این لایه عمیق هویتی است؛ اما سطحی‌ترین و در دسترس‌ترین لایه هویت و جوه ظاهری و متغیر و بیرونی انسان است که جنبه جمعی پیدا کرده و سپس شکل مناسب پیدا می‌کند، یعنی به شکل ثابت و پایداری مثل مراسم عزا و مانند آن درمی‌آید (کچویان، ۱۳۸۷).

بر این اساس با اصالت یافتن مبانی دینی و الهی در تحلیل هویتی ایرانیان، منبع اسلامی هویت به عنوان هسته مرکزی مورد نظر قرار می‌گیرد؛ بدین مبنا قلب و مرکز کانونی هویت اسلامی فطرت است. در این معنا می‌توان در هسته مرکزی و در پوسته پیرامونی، هر کدام از مؤلفه‌های هویتی را چند وجهی و مقول به تشکیک در نظر گرفت که به حسب تفاوت افراد، شرایط و اقتضائات زمانی و مکانی متفاوت است، اما آنچه در کانون توجه قرار می‌گیرد نقش و جایگاه هویت اسلامی در حوزه توصیفی و البته تجویزی هویت فرهنگی ایرانیان است که

بر پایه تعالیم دینی در دو حوزه کلی ایمان و عمل صالح نمود می‌یابد. بر این اساس، با توجه به منابع و مؤلفه‌های هویت فرهنگی و کارکرد آنها، زمانی که با تغییر و زدودگی در حوزه ارزش‌ها و نگرش‌ها به عنوان قلب و اصل منابع هویتی ایرانیان مواجه شویم، می‌توان تغییرات فرهنگی و در نتیجه وابستگی فرهنگی را انتظار داشت. به دیگر سخن تغییر ارزشی و هنجاری موجب تغییر هویتی می‌شود، به همین ترتیب هویت در بستر و زمینه فرهنگی خود دچار کژکارکرد می‌شود.

همچنین با توجه به اسناد بالادستی و فرمایشات مقام معظم رهبری، نفوذ فرهنگی از حوزه تغییر ایده‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و باورها و به تعبیر دیگر مصرف و سبک زندگی آغاز می‌شود و در همین راستا پدیده «قاچاق» به عنوان ابزار نفوذ و تغییر در حوزه نگرش‌ها و بینش‌ها تلقی می‌شود.

### پیامدهای قاچاق کالا و ارز بر هویت فرهنگی

با توجه به تعریف و فهمی که از هویت و مؤلفه‌های هویت صورت گرفت، در این بخش به تأثیرات و پیامدهای پدیده «قاچاق» که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم بر هویت فرهنگی اثرگذار است، اشاره می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### گسست همبستگی و انسجام اجتماعی

واژه جامعه یا گروه اجتماعی فقط برای انسان به کار می‌رود و این به دلیل پیوندهای عمیقی است که گروه‌های انسانی با یکدیگر دارند. دلیل این پیوستگی‌ها همان تقسیم کار متوازن و نیازهای متقابل افراد است که روابط و تعاملات اجتماعی را جهت می‌دهد. بنابراین، تقسیم کار، رفتارها و روابط اجتماعی شالوده زندگی اجتماعی است. این امر از این جهت اهمیت می‌یابد که تعاملات و روابط اجتماعی افراد جامعه موجب شکل‌گیری مشترکاتی می‌شود که افراد به وسیله آن کسب هویت می‌کنند و خود را با آن می‌شناسند و همین هویت مشترک و نیاز به روابط

اجتماعی بر مبنای نیاز مشترک، موجب افزایش انسجام و همبستگی اجتماعی می‌شود. در همین راستا پدیده «قاجاق» با توجه به ریسک پایین و سودآوری که دارد، تضعیف فرهنگ کار را رقم می‌زند، رفتارها و عملکردهای پدیده «قاجاق» همگنی اعضای جامعه را می‌زداید. از این رو تضاد و ستیزی رفتاری پدید می‌آید. به همین ترتیب این گونه اعمال نظم جامعه را مختل می‌کند و مشکلاتی را برای مردم به وجود می‌آورد که به نوعی کجروی اجتماعی محسوب می‌شود. همین امر منجر به عدم توازن در تقسیم کار افراد جامعه می‌شود. به همین دلیل زمانی که تقسیم کار با چالش روبرو شود، تعاملات افراد دچار اختلال می‌شود. به همین جهت شاهد گسست انسجام و همبستگی اجتماعی خواهیم بود.

### غارث هویت فرهنگی

همانطور که هویت فرهنگی از منابع ناملموس از جمله ارزش‌ها و باورهای گذشتگان شکل می‌گیرد، از سوی دیگر رابطه مستقیمی نیز با منابع ملموس تاریخی از جمله میراث فرهنگی دارد. به همین دلیل قاجاق اموال و میراث فرهنگی نیز موجب ایجاد خلل در وابستگی و تعامل نسبت به نشانه‌ها و واقعیت‌های فرهنگی که همان هویت فرهنگی است را سبب می‌شود.

از اینرو قاجاق اموال فرهنگی تاریخی توسط شبکه‌های قاجاق باعث رونق موزه‌های کشورهای غربی گردیده و این امر باعث می‌گردد تا نسل جوان نتواند با گذشته خود ارتباط برقرار نماید و با هویت و ارزش‌های گذشتگان خود آشنا شود. نسلی که با فرهنگ و تمدن قبلی خود نتواند پیوند داشته باشد احساس پوچی، بی‌اصالتی و بی‌هویتی می‌نماید و این احساس در تفکر او و حرکتش به سوی آینده موثر می‌افتد (لشنی پارسا، ۱۳۸۷).

### اختلاف طبقاتی در نظام اجتماعی

اگرچه در نظام خلقت معیار طبقه‌بندی انسان‌ها بر اساس تقوی و رفتارهای نیکو و خصلت‌های

آنهاست، برخی از گروه‌های جامعه به علل مختلف از مسیر تعالی فردی و اجتماعی دور می‌افتند و با جمع‌آوری و انباشت سرمایه به هر طریق ممکن باعث ایجاد نظم طبقاتی یا طبقاتی‌تر شدن اقشار مختلف آن می‌شوند و به این ترتیب جامعه از نظر اقتصادی نیز طبقه‌بندی می‌شود. (تاری و غلامی، ۱۳۸۹)

از یک سو سرشت و یژه قاچاق اغلب ثروت بادآورده‌ای نصیب قاچاقچیان می‌کند و این قشر که از راه کسب نامشروع ثروتمند شده‌اند از دیگر مردم جامعه به خصوص قشرهای محروم جدا می‌شوند و به این ترتیب به شکاف طبقاتی دامن زده می‌شود. از سوی دیگر کالاهای قاچاق به عنوان یک نماد و نشانه حاوی نظام معنایی خاصی هستند، پدیده مد که خود از طریق قاچاق و تبلیغات وارد جامعه‌ای می‌شود، ایجادکننده شکاف طبقاتی است.

طبقاتی شدن جامعه برخلاف عدالت اجتماعی است و زمینه بروز انواع بی‌عدالتی‌ها و نابهنجاری‌ها را پدید می‌آورد و باعث رشد روحیه فردگرایی تا سرحد خودخواهی و نادیده گرفتن بسیاری از اصول اجتماعی اخلاقی می‌شود (سیف، ۱۳۸۷: ۱۰۸). به عبارتی ترویج مد و اختلاف طبقاتی و بالتبع آن فردگرایی باعث می‌شود، نظم اجتماعی بهم بخورد و همین امر منجر به چالش هویتی می‌شود.

### اختلال در الگوی مصرف جامعه

کالای قاچاق آثار مخرب بر الگوی مصرف جامعه دارد. ماهیت غیرضروری قاچاق کالا، جامعه را به سوی تغنن‌طلبی و تجمل‌گرایی سوق می‌دهد. قاچاق کالا اصولاً الگوی مصرف داخلی را تغییر می‌دهد و به محض ورود کالای قاچاق، اثرات تبلیغاتی و نمایشی آن بروز پیدا می‌کند. بنابراین قاچاق کالا که عمدتاً حول محور کالای لوکس صورت می‌گیرد آثار منفی فرهنگی بر جامعه دارد. (پورنیازی، ۱۳۸۹) از طرف دیگر امروزه گسترش و رواج فرهنگ مصرف کالاهای خارجی، نه تنها موجب از بین رفتن قبح مصرف کالاهای قاچاق می‌شود بلکه مصرف کالاهای خارجی، نوعی افتخار به حساب می‌آید. به عبارتی «قاچاق» باعث می‌شود تغییر ارزشی و یا دوگانگی و تضاد

ارزشی شکل گیرد و به همین ترتیب الگوی مصرف جامعه دستخوش تغییرات معتنا بهی قرار گیرد و لازم به ذکر است که این رابطه دوسویه است. همچنین شایان ذکر است در این حالت مصرف فرهنگی افراد جامعه نوعی نظام هویتی را شکل می‌دهد که علیرغم تکثر هویتی، عامل انسجام‌بخشی در آن مشاهده نمی‌شود.

### افزایش خرده فرهنگ‌های منحرف در جامعه

قاچاق به گسترش خرده فرهنگ‌های منحرف در جامعه نیز کمک می‌کند. این فرهنگ انحرافی، که محصول دسترسی به وسائل ارتباط جمعی جهانی، چون اینترنت، ماهواره و استفاده مداوم از فیلم‌های غیرمجاز نظایر آن است، شخصیت اجتماعی فرد، ارزش‌ها و هنجارهای او را تغییر می‌دهد، به طوری که فرد را در گروه‌های دوستی به سوی تشکیل خرده فرهنگی سوق می‌دهد که با ارزش‌ها و هنجارهای اصلی جامعه، مخالف و یا حتی گاهی در تضاد است. افزایش شاخص‌هایی نظیر سنت‌گریزی، احساس تنهایی، بیگانگی اجتماعی، کاهش گرایش‌های مذهبی و اخلاقی و گرایش به تجمل، نشانه جذب فرد در خرده فرهنگ‌های منحرف می‌باشد، که نهایتاً آسیب‌هایی که این خرده فرهنگ‌های نامتعارف و نامعمول به جامعه می‌رسانند شرایط ایجاد ناامنی، افزایش جرایم و انحرافات اخلاقی و فرهنگی و نظایر آن را در جامعه فراهم می‌کند و سیستم فرهنگی جامعه را در مهار چنین خرده فرهنگ‌های منحرف دچار آسیب می‌سازد (فروغی، ۱۳۹۰). به دیگر سخن می‌توان گفت که «قاچاق» می‌تواند به گونه‌ای واسطه‌ای نقش مهمی در ایجاد خرده فرهنگ‌هایی داشته باشد که به اشکال مختلف در تقابل با نظام ارزشی و هنجاری جامعه ایران قرار گیرند که این خرده فرهنگ‌ها می‌تواند تهدیدهای سیاسی — امنیتی و اقتصادی نیز ایجاد کنند.

از خود بیگانگی فرهنگی

از مهمترین ابعاد منفی قاچاق ورود کالاهای غیرمجاز و مغایر با اصول و ارزش‌های حاکم بر جامعه است. وقتی کالاهای تولید شده یک کشور از راه قاچاق وارد کشور دیگر می‌شود به دلیل عدم همخوانی با نیازها و ساختارها و هنجارهای داخلی جامعه، موجب بی‌هویتی در جامعه میزبان می‌گردد که از آن به عنوان تهاجم فرهنگی یاد می‌شود. این پدیده به نوبه خود دارای پیامدهایی از جمله مصرف‌زدگی و تجمل‌گرایی و گسترش زرق و برق‌های کاذب در زندگی می‌شود که موجب تضعیف فرهنگ معنویت و اصول اخلاقی در جامعه می‌شود. (سلطانی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۹) برخی از محصولات به صورت سازماندهی و جهت‌دار با هدف تهاجم به ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی به داخل کشور قاچاق می‌شوند. از جمله این محصولات می‌توان به محصولات صوتی و تصویری و لوازم آرایشی اشاره کرد. این محصولات با آثار مخربی که بر روی قشر جوان دارند باعث از هم گسیختگی نظام فکری شده و به عنوان ابزار تهاجمی عمل می‌کنند. (افشار، ۱۳۸۸: ۱۷۱) بنابراین خطرات امنیتی، اقتصادی و آثار زیانبار قاچاق به عنوان ابزار کارا و اثر بخش برای تهاجم فرهنگی به حدی است که مقام معظم رهبری از آن به عنوان معضل بزرگ برای جامعه یاد می‌کند.

### کمرنگ شدن ارزش‌های دینی و اخلاقی

پدیده قاچاق بواسطه حضور کالاهای جذاب و غیرفرهنگی و بدلیل تبلیغاتی که با خود وارد می‌کنند ارزش‌های دینی و اصول اخلاقی جامعه ما رو به خطر می‌اندازند. در این زمینه می‌توان به عنوان مثال به لوازم آرایشی و انواع پوشاک قاچاقی اشاره کرد که به دلیل داشتن تصاویر تبلیغاتی ضد اخلاقی و ضد دینی ذهن جوانان و مصرف‌کنندگان داخلی را خدشه دار می‌سازند. کالاهای وارداتی قاچاق با تبلیغات خارجی به دلیل عدم انطباق با هنجارهای اخلاقی و دینی جامعه ما، اصول و هنجارهای دینی و اخلاقی جامعه را دستخوش تغییر قرار داده و سبب آسیب اخلاقی و دینی در بین اقشار مختلف جامعه بویژه جوانان می‌شوند.

قاچاق کالا با کمترین فعالیت اجتماعی و سود کلان، به سرمایه و درآمد کشور زیان وارد

می‌کند. کالاهای قاچاق مخالف شئونات مذهبی و ملی و کالاهای غیراستاندارد و غیر بهداشتی نه تنها به اصول اخلاقی و فرهنگ جامعه لطمه می‌زند بلکه سلامت مردم را نیز به خطر می‌اندازند. به این ترتیب همین نابهنجاری‌ها مقدمه و زمینه لازم را برای انجام گرفتن نابهنجاری‌های اجتماعی دیگری مانند سرقت، قانون‌شکنی، شکستن حرمت‌ها و جرایمی از این دست فراهم می‌آورد. (سیف، ۱۳۸۷: ۱۰۷) به همین ترتیب، کاهش ارزش‌های و باورهای دینی و اخلاقی به عنوان هسته اولیه مؤلفه‌های هویتی، چنانچه دچار اختلال و ناهمگونی شوند، لایه‌های دیگر هویتی را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این نوشتار به مطالعه و بررسی تأثیرات و پیامدهای پدیده «قاچاق» کالا و ارز در عرصه فرهنگ و مقوله هویت فرهنگی نظر داشته است، با عنایت به کارکردهای آشکار و پنهان مفهوم هویت، در دوران اخیر به یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل حوزه‌های مختلف فرهنگ و زندگی مردم در جوامع جدید به ویژه در کشور ایران تبدیل شده است. چالش‌های هویتی امروزه سرنوشت سازند. به گونه‌ای که هویت پیش‌شرط هر نوع عمل به ویژه عمل اجتماعی است. (علیخانی، ۱۳۸۳: ۲۰) به زبان دیگر، هویت سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است (کاستلز، ۱۳۸۲: ۲۲). لذا چالش در امر هویت به معنای چالش در معنا و سرشت زندگی است، به همین ترتیب چالش در معنای زندگی، چالش و آسیب در نظام فرهنگی است. در همین راستا پدیده «قاچاق» به عنوان معضل و مشکل فرهنگی، از یک حیث علل و عواملی فرهنگی، اقتصادی، تجاری و سیاسی موجد آن به شمار می‌روند و از حیث دیگر خود این پدیده پیامدهای ناگواری بر هویت فرهنگی جامعه ایران بر جای گذاشته است. همانطور که در بالا نیز بدان اشاره شد، پدیده «قاچاق» در حکم ابزار انتقال فرهنگی، تغییرات و آسیب‌های شگرفی که در حوزه معنا، ارزش‌ها و باورهای افراد جامعه ایجاد می‌کند، به همین ترتیب تغییر نظام ارزشی منجر به گسست انسجام و همبستگی اجتماعی، کاهش ارزش‌های اخلاقی، از خودبیگانگی هویتی،



کاهش تعاملات انسانی و اجتماعی، دوگانگی ارزشی و... می‌شود.

از این جهت ارزش‌ها و باورها ارتباط عمیقی با هویت فرهنگی داشته و این فرهنگ است که می‌تواند هویت‌ساز باشد. به همین دلیل، تغییر در ارزش‌ها و باورها، فرآیند توسعه و پیشرفت اقتصادی و نیز تحولات فرهنگی را با بحران و چالش روبرو می‌کند.

به عنوان مثال می‌توان تبدیل شدن ثروت و مصرف به یک ارزش اجتماعی، تجمل‌گرایی، کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی، دوگانگی و تضاد ارزشی، از خود بیگانگی، خرده فرهنگ‌های منحرف و تلاش افراد جامعه برای مطابقت خود با ارزش‌های القاشده از سوی دشمنان در قالب تهاجم و شبیخون فرهنگی به وسیله ابزاری به مانند «قاچاق»، تبلیغات رسانه‌ای و...، هویت فرهنگی جامعه ایرانی تغییر می‌کند و به همین تناسب الگوی توسعه و پیشرفت نیز دستخوش تغییرات قرار می‌گیرد.

بدین ترتیب چنین فرآیند بازسازی به تدریج موجب بروز شکاف‌های عمده‌ای در جامعه از لحاظ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌شود.

نتیجه آن که هویت به مثابه رکن رکن فرهنگ جامعه ایرانی، مادامی که دچار بحران و چالش شود، عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی درگیر مشکلات اساسی می‌شوند و همین امر با توجه به شتاب جریان توسعه جهانی موجب رویکرد منفعلانه کشور ایران در عرصه بین‌المللی می‌شود. لذا برای آن که کشور و جامعه ایران بتواند در مناسبات جهانی با منشی فرادستی ایفای نقش کند، ضروریست با تکیه بر تاریخ و زمینه‌ها و منابع فرهنگی خود به هویت‌سازی در سطح ملی بپردازد و براین اساس با چنین وجهه‌ای در عرصه دیپلماسی و ارتباطات میان فرهنگی شناخته شود، بنابراین برخورد قاطعانه و هوشمند با قالب‌ها و ابزارهای تهاجم و نفوذ فرهنگی از قبیل قاچاق که نقش عمده‌ای در تغییر نگرش، ارزش‌ها و باورها، سبک زندگی و مصرف فرهنگی دارد، امری الزامی است.

## منابع

۲. افروغ، عماد، هویت ایرانی و حقوق فرهنگی، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۷.
۳. افشار، عبدالله و سبحانی نژاد، مهدی، علل ناکارآمدی مقابله با قاچاق، تهران، نشر معرفت، شماره ۱۴۶، ۱۶۱-۱۷۷، ۱۳۸۸.
۴. بهرامی، محسن و قاسمی، بهروز، آسیب‌شناسی قاچاق کالا در ایران، تهران: انتشارات فارابی، ۱۳۸۵.
۵. تاری، فتح‌الله و غلامی باغی، سعید، تأثیر متقابل فرهنگ و قاچاق کالا، مجله مهندسی فرهنگی، شماره ۴۱ (۶۲-۴۸)، ۱۳۸۹.
۶. پورنیازی، محمدتقی، ریشه‌ها و پیامدهای قاچاق کالا، ماهنامه قاچاق کالا و ارز، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۹.
۷. پژویان، جمشید، بررسی اقتصادی قاچاق در ایران، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۲۰ (۴۳-۷۰)، ۱۳۸۵.
۸. حاجی نژاد، علی، علل و عوامل، نیروهای دست اندکار (سازمان) قاچاق کالا در استان سیستان و بلوچستان، سومین همایش ملی بررسی پدیده قاچاق و راه‌های پیشگیری از آن، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.
۹. ربانی، جواد، هویت ملی، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۱.
۱۰. رجایی، فرهنگ، مشکله هویت ایرانیان امروز: ابفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ، تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.
۱۱. روحانی، محمدرضا و آشنا، حسام‌الدین، هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی، مجله تحقیقات فرهنگی، شماره ۱۲ (۱۸۴-۱۵۷)، ۱۳۸۹.
۱۲. روح‌الامینی، محمود، زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران: انتشارات عطار، ۱۳۷۹.
۱۳. سلطانی نژاد، موسی، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی فرهنگی سیاسی مصرف کالاهای خارجی و قاچاق، اولین جشنواره فراخوان مقالات اقتصاد سالم، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۸۹.
۱۴. سلیمی، حسین، فرهنگ‌گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و

بین‌المللی، ۱۳۷۹.

۱۵. سیف، الهمراد، **قاجاق کالا در ایران**، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۶. شایگان، داریوش، **هویت چندگانه**، در علیخانی، علی‌اکبر، **هویت و بحران هویت**، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳.
۱۷. شایگان، داریوش، **بت‌های ذهنی و خاطره ازلی**، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۱.
۱۸. علیخانی، علی‌اکبر، **هویت و بحران هویت**، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳.
۱۹. امید، حسن، **فرهنگ عمید**، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۵.
۲۰. فروغی، یاسر، **قاجاق انسان یا برده‌داری مدرن؛ علل و آسیب**، فصلنامه علمی — ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، ۲ (۶): ۱۰۰-۱۲۹، ۱۳۹۰.
۲۱. فیروزجانی، مختار، **قاجاق کالا و ارز**، تهران: انتشارات قانون، ۱۳۸۹.
۲۲. کجویان، حسین، **تطورات گفتمان‌های هویتی ایران: ایران در کشاکش با تجدد و ما بعد تجدد**، تهران: نشر نی، ۱۳۸۸.
۲۳. کوش، دنی، **مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی**، مترجم: فریدون وحید، تهران: سروش، ۱۳۸۱.
۲۴. لشنی پارسا، روح‌الله، **چالش‌ها و چشم‌اندازهای قاجاق کالا**، دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، ۵ (۱۸): ۹۱-۱۱۸، ۱۳۸۷.
۲۵. نصیری، شهرزاد، **بررسی عوامل موثر بر قاجاق کالا و ارز و تاثیر آن بر اقتصاد ملی**، مجله الکترونیکی ویستا (vista)، ۱۳۹۰.
۲۶. Baldwin, John R, **Reading culture: perspectives across disciplines**, New York, Routledge, ۲۰۰۶.
۲۷. Cagiltay, kurt, **collaboration Among Multicultural Virtual Team in Encyclopedia of Distance Learning**, second edition, vol.۱, New York, ۲۰۰۹.
۲۸. Freeman, Roger D, **Can't your child hear?: a guide for those who care about deaf children**, Philadelphia, Tylor & Francis, ۱۹۸۱.



پروفیسر شہناز گل خان  
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ